



اداره کرد.
بهر حال زمان گذشت
اما زمانه نه.....

کسانی بر سر کار آمدند که رسماً معتقد بودند باید قشر مستضعف مردم برای مدتی زیر چرخهای توسعه له شوند.
تا جامعه به رفاه برسد، آنگاه آنهایی که از زیر این فشار جان سالم به در برده اند به بخور و نمیر میرسند و آنهایی که زیرفشار به هلاکت رسیده‌اند خدا بیامرزشان!

این را من به آنها منتسب نمی‌کنم.
برنامه اقتصادی این مدعیان همین بود و رسماً آن را اعلام می‌کردند.
این کارشناسان دوست داشتنی(!) وقتی قربانی کردن قشر مستضعف جامعه ، به پای ثروت‌اندوزی قشر مرفه را تئوریزه می‌کردند یادشان نبود امام در مورد عدالت طلبی و رسیدگی به حال پابره‌ن‌ها و کوخ نشینان گفته بود"فقرا و متدینین بی بضاعت گردانندگان واقعی انقلابها هستند"
و"باید خدا را در نظر داشت، و تمام هم وتلاش خود را در جهت رضایت خداوند و کمک به فقرا به کار گرفت."
بهر حال زمان گذشت.....
اما زمانه

بعد ها کسانی وادی فرهنگ و اندیشه را دست گرفتند که از میان فنون مورد نیاز یک روشنفکر فن ترجمه را به احسن وجه آموخته بودند.
آنها با اتکا به نظریات پدر بزرگهایشان در غرب " وحی " را تجربه شخصی پیامبر نامیدند.
که ممکن است برای هر یک از ما هم اگر خوب تمرکز کنیم!! تکرار شود.به هر حال زمان گذشت...
اما زمانه نه....

چند سال بعد، همین‌ها قدرت را به دست گرفتند و تئوری های کارشناسانه خود را به اجرا گذاشتند.
حاصل آن، تدوین برنامه چهارم توسعه شد که در مبانی تئوریک آن – به گواهی کتاب رسمی چاپ شده توسط دولت خاتمی – بر پایان دادن به بنیادگرایی شیعی (بخوانید اسلام ناب محمدی) و عادی سازی روابط با آمریکا و اسرائیل تأکید شده است.
مبانی تئوریک برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی، چنان بر ضد جمه‌پوری اسلامی بود که کتاب آن چند روزبعد توسط دولت خاتمی که خود ناشر آن بود از بازار جمع آوری شد.
طبیعتا براساس همین مبانی تئوریک بود که دولت خاتمی، در نامه ای به کاخ سفیدیشتهاد کرد درقبال عدم حمایت ایران از مقاومت فلسطین و لبنان، آمریکا درمورد عدم حمله به ایران تضمین دهد.
به هر حال زمان گذشت...
اما زمانه نه.....

در شرایطی که صاحبان قدرت و ثروت می پنداشتند در فرستادن امام به موزه تاریخ موفق شده اند مردی به عرصه آمد که جز گفتمان امام چیزی بر ی ا عرصه به مردم نداشت.حمایت از مظلومین و پابره‌نه ها را وظیفه دولت می دانست و از تکرار جمله های امام درباره ی به اهتزاز درآوردن پرچم اسلام در سراسر جهان ترسی نداشت."
ما تصمیم گرفته ایم ... نظام اسلام رسول الله را در جهان استکبار ترویج نماییم."آنان که در این دوران، گاه از قبل انحصارهای دوران اقتصاد دولتی و گاه از قبل ویژه خواری های دوران خصوصی سازی به آلف و الوف رسیده بودند با هرآنچه در توان داشتند به جنگش آمدند.
به او تهمت زدند، فحشش دادند، پرونده نداشته اش را رو کردند، دختران نیمه برهنه را مانند مانکن در ستاد های رسمیشان استخدام کردند فقط برای اینکه مردم به احمدی نژاد رای ندهند.
هیچ کدام جواب نداد و احمدی نژاد رئیس جمهور شد.حالا زمان گذشته است زمانه هم.....

زمانه خیلی وقت پیش عوض شده بود اما آقایان وقتی متوجه شدند که کار از کار گذشته بود حالا برای بازیافت خود مجبور بودند به حرف دیگری متوسل شوند؛
گفتمان امام، این بود که به عنوان سحابه امام هرجا نشستند و ابوهریره مانند از امام سخن گفتند و با آه و گریه بر پای خود کوبیدند که گفتمان امام نابود شد!
اشکالی ندارد حالا پس از بیست سال به جایی رسیده ایم که همه گروه های سیاسی خود را پیرو امام می خوانند.
این کارگاه انقلاب اسلامی است ما از آنها نمی خواهیم که عدم تطابق عملکرد گذشته شان را با گفتمان امام توجیه کنند چون می دانیم که نمی توانند.
ما بازگشت آنان را به گفتمان امام خوشامد می گوئیم و از آن ها می خواهیم از این به بعد به خاطر رضای خدا که نه، حداقل برای جلب رای مردم گفتمان امام را محور حرکت خود قرار دهند.

الحمدلله سید احمد خمینی زحمت کشیده اند و مواضع امام خمینی را در بیست و یک جلد تدوین کردند برای فهم نظرات امام نیازی به خاطرات شخصی این سحابه محترم با امام نیست.
بیابید بیست و یک جلد صحیفه امام را به عنوان میناق نامه انقلاب اسلامی مقابل خود بکشاییم و ببینیم که ما چه می گوئیم، شما چه می گوئید و امام کدام را تایید می کند.

بیست و یک جلد صحیفه امام حکم میان ما و شما.



–یادامیچیان گفت دوستان تکلیف کنند کانیدبا می‌شوم

مردمک: بابا این دوستان تو رو خدا تکلیف کنن.. جای خواجه حافظ فقط خالیه تو این انتخابات

–یاری‌نیوز!: آرمین گفت میر حسین موسوی منتظر گاز خردل سیاسی باشد

مردمک: یکی با تفنگ اسباب بازی میره کابین خلبان میگه دستا بالا! میگن این که پلاستیکیه، میگه حتما باید زور بالا سرتون باشه!

–حاتمی‌کیا: دهنمکی فیلم‌سازی است همچون هواپیمای چهار موتوره که سه موتور آن خاموش است

مردمک: قبلا فقط با موتور هزار مقایسش می کردن! نشون میده واقعا پیشرفت کرده

–میرحسین موسوی(هفته آخر فروردین):سهام عدالت را جمع می‌کنم شخص مذکور (هفته اول اردیبهشت)با‌رائه سهام عدالت را ادامه می‌دهم!
مردمک: خب این که اشکالی نداره شمام به همه چی گیر میدینا!

–جنجفلی حبیبی گفت اصلاح طلبان نمی‌دانند باید چه کار کنند
مردمک: اینچنین بود که آقای حبیبی به کشف تازه ای دست یافت!

–رئیس ستاد استان تهران موسوی گفت این وضعیت مایه تاسف است که اصلاح‌طلبان نمی‌دانند باید در این وقت کم چه کاری انجام دهند.
مردمک: به قول حافظ (رئیس ستاد استان تهران) نیز هم!

–یاری‌نیوز: ابطنی گفت خاتمی از سه ماه مانده به انتخابات گفت سفرهای استانی‌ام را لغو کنید.
مردمک: پس پروژه هایی که ماهای آخر، دو روز بعدکلنگش، افتتاح می شد همه تو تهران بود!؟

–کروبی گفت پای صندوق رفتید من را فراموش نکنید.
مردمک: به شوخی یا جدی این جمله فوق العاده بود! ما هرچی بگیم بامزه تر از این نمیشه

–یاری‌نیوز: خرسند گفت جریاناتی که خاتمی را از قطار اصلاحات با پا پیاده کردند می خواهند موسوی را با سر بیرون بیاندازند
مردمک: فعلا که موسوی داره همه رو سوار میکنه. ظرفیت قطارم دیگه تکمیله

–کروبی که به دعوت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف به این دانشگاه رفته بود ، تاکید کرد که شعارش “تغییر” است.
پس از طرح این موضوع، برخی از دانشجویان فریاد زدند:“کروبی اوپاما”.

مردمک: بعضی از دانشجویان هم فریاد زدند: کروبی رئیس جمهور میشه خدا میدونه که حقشه!

–عضو ستاد میرحسین گفت شاید مناققین و سلطنت طلبان نیز از موسوی حمایت کنند!

مردمک: زاهد و عجب و نماز و من و مستی و نیاز !

–حامی موسوی: عوام، لرها و پنجاه هزار تومانی‌ها به کروبی رای می‌دهند

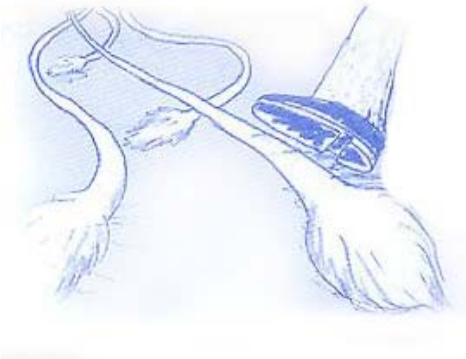
مردمک: باز تخریب کروبی شروع شد، سر انتخابات مجلس هم مشارکتیها گفتن کروبی باید از الیگودرز کاندید بشه!

–میرحسین موسوی به دلیل مشکلات جسمی حاضر به ادامه سفرهای استانی نیست و این کار به اجبار عوامل اجرایی وی صورت می‌گیرد.

مردمک: توصیه ستاد اجرایی: میرحسین جان اندکی صبر سحر نزدیک است. رای که بیاری دیگه راحتی!

–شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل، گفت: اقدام نمایندگان برخی کشورهای اروپایی در ترک نشست بین المللی دوربان ۲ در ژنو سوییس هنگام سخنرانی رییس جمهوری ایران اشتباه بود.
مردمک: نانوا هم جوش شیرین می زند، بیچاره فرهاد!!

محدوده دم حضرات؟



۱. مافیای سیگار :

در این ستون قصد داریم به نیشگونپهایی که احمدی نژاد از مافیای قدرت و ثروت گرفته بپردازیم و محدوده هایی را که متعلق به دم آنان است و دکتر سهوا پا روی آنها گذاشته را مشخص کنیم تا دیگر کسی پا روی دم آنها نگذارد و در ادامه نیز به تخریبهای ناجوانمردانه ای که به جیب های بنفشی که از سوی آنان کشیده شده است می ماند خواهیم پرداخت.

نیشگون:

اپیزود اول: ۸۷/۰۱/۲۸ دور دوم سفرهای استانی در اجتماع مردم قم

رئیس جمهور با اشاره به برخی انحصارات و امتیازات ویژه که در اختیار باندهای مافیایی قرار دارد به ارائه یک نمونه از این باندها اشاره کرد:

“آن دو شبکه موازی با هم ، هماهنگ با هم و هدایت شده از یک مرکز، دست اندرکار وارد کردن سیگار به داخل کشور ما هستند. همان کسانی که سیگار وارد می‌کنند دو شبکه درست کرده اند. یک شبکه رسمی که از گمرکات وارد می‌کنند و یک شبکه غیر رسمی که با طراحی و حتی با درگیری با نیروی انتظامی به صورت قاچاق سیگار وارد کشور می نمایند.خود اینها یک شبکه گسترده اند .

همچنین در کشور آدم‌هایی هستند که برای اینها کارچاق کنی می‌کنند. مثلا کسی هست که اگر من اشاره کنم شما می‌شناسید.دخانیات ما برای اینکه این شبکه را به هم بزند، گفته است که امتیازات واردات سیگار به جای اینکه دست یک نفر باشد، آزاد می‌گذاریم . هر کس می‌خواهد طبق مقررات و ضوابط بهداشتی و عوارض گمرکی سیگار وارد کند .اما کس دیگری هم آمده که حالا آدم به ظاهر سالمی است ، گفته است من بدون قاچاق و تقلب و رشوه می‌خواهم سیگار وارد کنم.

آقایی که هنوز هم در یکی از مراکز است و زیاد هم مصاحبه می‌کند و ادعاهای خیلی بزرگ می‌کند و تحلیل‌های عجیب و غریب می‌نماید، این آقا را صدا زده و گفته تو می‌خواهی سیگار وارد کنی. گفته بله .گفته است “**پنج میلیارد**” باید بدهی به فلان آقا. گفته است برای چی باید بدهم؟ گفته مگر نمی‌خواهی سیگار وارد کنی؟ گفته بله ، می‌خواهم وارد کنم و عوارض قانونی را هم می‌پردازم و سیگار مورد قبول وزارت بهداشت را وارد می‌کنم .گفته است نخیر، نمی‌شود. تا تو این پول را ندهی، امکان ندارد بتوانی سیگار وارد کنی.این فرد هم نپرداخته است. رییس دخانیات پیش من آمد و گفت فلان آقا مرا صدا کرده و گفته چرا می‌خواهی به این فرد مجوز وارد کردن سیگار بدهی؟ تو حق نداری به این فرد مجوز ورود سیگار بدهی؛ و الا با تو برخورد می‌کنیم!؟”

رییس جمهور سپس در واکنش به حاضران که می‌خواستند نام این آقا مشخص شود، گفت: “مشخصات این فرد را گفتم متوجه می‌شوید. ببینید صدا فردا از کجا در می‌آید، همان جاست.”

اپیزود دوم:۲/۲/۸۷ صدا از سایت تابناک در امدا

سایت تابناک با درج مقاله ای با عنوان “سرنوشت اتهامات تازه رئیس‌جمهور” با تحریف سخنان رئیس‌جمهور در این زمینه تشکیک کرد. تابناکیها با تبدیل “پنج میلیارد” به “پنج میلیارد دلار” و ارائه برخی آمار مدعی شدند که این مبلغ “پنج میلیارد دلاری” به اندازه ۵۰ برابر سود سالیانه ناشی از واردات دخانیات است:

“با توجه به قیمت فروش سیگار خارجی در داخل و کسر هزینه‌های توزیع و حقوق گمرکی، از مجموع ۳۶۰ میلیون دلار واردات سیگار، حداکثر به درآمدی حدود صد میلیارد تومان در سال دسترسی پیدا می‌کند که با این حساب، “پنج میلیارد دلار” باج طلب‌شده توسط این فرد، برابر با پنجاه سال درآمد اوست!”سایت تابناک ۲/۲/۸۷ لازم به ذکر است که سایت تابناک متعلق به شخصی است که دقیقا دارای سوابقی است که رئیس‌جمهور ذکر کرده:“آقایی که هنوز هم در یکی از مراکز است و زیاد هم مصاحبه می‌کند و ادعاهای خیلی بزرگ می‌کند و تحلیل‌های عجیب و غریب می‌نماید”

۱–محکومیت سخنان احمدی نژاد درژنو از سوی دبیر کل سازمان ملل و سران کشورهای غربی ،کاملا طبیعی بود.اما جالب،موضع گیری برخی شخصیت های سیاسی کشور است که می‌گویند اتخاذ چنین موضعی که منجر به محکومیت جهانی(!) ایران می‌شود اشتباه است.باید به این عزیزان گفت این محکومیت –در صورت وجود-بخاطر مواضع احمدی

نژاد–که خود صحیح بودن آنرا تایید کرده و تنها از جنجال برانگیز بودنش انتقاد می‌کنید– نیست،بدین خاطراست که شورای عالی امنیت ملی در زمان خاتمی ،هرگونه موضع گیری مسئولین علیه اسرا نیل را ممنوع کرده بود.طبیعی است وقتی مواضع ایران پس از چند سال به گفتمان امام برمی‌گردد ابتدا با واکنش حامیان اسرائیل که در سالهای گذشته حساسی بد عادت شده اند مواجه می‌شود،و پس از چندی با آن کنار می‌آیند وآرام می‌گیرند.کما اینکه در دولت قبل چنان تضمینیهای عینی ای در خصوص تعلق داوطلبانه(!) به کشورهای غربی داده شده بود که پس از برداشتن تعلق کلی جارجنجال به راه انداختند وتهدید کردند.اما وقتی از تغییر مسیر ملت نامید شدند ،خود کوتاه آمدند.

۲– بعضا از اینکه صحبت های احمدی نژاد، صحیح اما خلاف عرف بین المللی است انتقاد می‌کنند.عافل از اینکه اساسا در منشور سازمان ملل،روش قانونی اشغال نظامی یک کشور،تشریح شده اما در مورد انقلاب کردن چیزی نیامده! لذا انقلاب اسلامی و هر انقلاب دیگری در جهان کلا خلاف عرف و شرع بین المللی است.آقایان که زمانی خود پرچم دار انقلاب اسلامی بودند اگر نگران رعایت قوانین بین المللی هستند از ابتدا نباید انقلاب می‌کردند چرا که عملی غیر قانونی است به قول شهید بهشتی انقلاب ما ،انقلاب آرمانها است نه تسلیم به واقعیت ها.

۳– در زمان صدارت آقای موسوی، نزدیکان تندرویشان، مواد منفجره در ساک حجاج جاسازی می‌کردند و به عربستان سعودی می‌فرستادند و آن قدر ناشیانه این کار را انجام می‌دادند که ماموران سعودی مواد منفجره را کشف می‌کردند ودر تمام رسانه های توطئه جمهوری اسلامی (!)را افشا می‌کردند.آن وقت این عزیزان در گوشه ای می‌نشستند و آبروی بر باد رفته ی نظام را نظاره می‌کردند.آن کارها تروی رود یا مواضع منطقی قابل دفاع دولت نهم؟

۴–نهایت اینکه هر اقدامی را با میزان دستپای به اهداف از پیش تعیین شده ی آن می‌سنجند. مگر هدف احمدی نژاد از سخنرانی در ژنو، راضی کردن سران غرب بود؟احمدی نژاد در چارچوب دیپلماسی عمومی،دولتهای مستقل تر و ملتهای حق طلب را نشانه رفته بود.نمایندگان اکثر کشورها–که حدود ۴۰۰۰تفر بودند–با تشویق خود از مواضع احمدی نژاد دفاع کردند برای بیان مواضع ملت‌ها هم کافیست به عنوان مشتئ از خروار به نظرات خوانندگان که ذیل خبر سایت الجزیره قطر درج شده است نگاهی بیندازیم.جالب اینکه الجزیره در خبر خود با موضع گیری برضد احمدی نژاد،تنها به محکوم شدن او از سوی برخی کشورهای اروپایی پرداخته است.اما با اینکه انتظار می‌رود نظرات خوانندگان ذیل هر خبری با محتوای خبر همراستا باشد اما در این مورد چنین نظراتی ثبت شده است:

–اسرائیل،سرطانی است که باید نابود شود

–خالد،کانادا؛الحمدلله.احمدی نژاد مرد است،نه روسای فاسد و خائن عرب

–فتحی عبدالمقصود،مصر:چرا آنان از احمدی نژاد خشمگین هستند؟زیرا او در مقابل شان کوتاه نمی‌آید وبا آنان سازش نمی‌کند.علیرغم اینکه بخاطر مواضع احمدی نژاد درباره ی مصر،بسیار به او انتقاد دارم اما آرزو می‌کنم رهبران عرب هم روزی مثل او یا حتی مثل نصف او (!) شوند.

–العمودی محمد،اسپانیا: آری ،واجب است که مسلمانان در حمایت از این سخنان تظاهرات کنند تا به دشمن بفهمانند که سخنان احمدی نژاد فه‌رمان ، موضع همه مسلمانان است . افکار عمومی در کشورهای غربی هم مخالف اقدام حکومت هایشان است

–الحربی،عربستان سعودی:احمدی نژاد علیرغم شیعه بودنش (!) فردی شجاع و نماینده ی همه ی مسلمانان است و در راه خدا از سرزنش دیگران هراسی ندارد آیا نمی‌شود دیگر کشور ها هم مثل او عمل کنند؟

–آیا اعراب نمی‌توانند با موضع گیریشان ، از این برادر خود حمایت کنند؟ بنگرید که کفار چگونه از اسرائیل ظالم دفاع می‌کنند.

–عبد الجبار،یمن:احمدی نژاد حقیقتا جهان اسلام را سربلند کرد.ولی ضرورت دارد که جهان اسلام باتظاهرات خود او را تایید و حمایت کند.

–احمدالمدنی:“حقیقت تلخ ولی نتیجه ی ان شیرین است”مشاهده کردیم که حقیقتی که آقای احمدی نژاد جقدر برای این صهیونیستها متعصب وجنایتکار تلخ بود وچگونه علیرغم جنایتهای وحشیانه ی خود در غزه،مقابلله احمدی نژاد به عریده کشی پرداختند.

–الشعمی،عربستان:احمدی نژاددر حالیکه امت اسلامی به ذلت افتاده بود با سخنان تو عزت یافتیم. تو جوانمردی هستی که در مقابل جنایتکاران و اذئاب فاسق آنان ، حرف حق را فریاد زدی. حال مذهب هر چه می‌خواهد باشد.ممنونت هستیم.

–عبدالغفار:آزادی بیان کجاست ؟ دموکراسی کجاست؟ ای اعراب به اصطلاح میانه رو ! شما کجا هستید و چه جایگاهی در امت اسلامی دارید؟

–عبدالحمید محمد، مصر: همین بس که احمدی نژاد از تریبون دشمنان پیامبر و در خانه خودشان ، بر پیامبر صلوات فرستاد . اما آنان که ادعای رهبری جهان عرب را دارند جرئت نکردند از پیامبر پیروی کنند و به صورت علنی از او دفاع کنند. اینجا دوست از دشمن شناخته می‌شود. ای ایران اسلام گوارایت باد.

میزگرد فرهنگی

فرهنگ درگفتمان اصلاحات

مجری: به نام خداوند جان و خرد
سلام عرض می کنم خدمت شما بینندگان عزیز شبکه چهارم سیما و امیدوارم روز خوبی را تاکنون سپری کرده باشید

برنامه امشب ما اختصاص دارد به یک گفتگوی فرهنگی با موضوع "فرهنگ و جایگاه آن در نظام اسلامی" با حضور جناب آقای مصلحی که امیدواریم مورد رضایت شما عزیزان قرار بگیرد.

خب جناب آقای مصلحی خواهش می کنم اگر در ابتدا حرفی دارید با بینندگان عزیز بفرمائید.

مصلحی: به نام خدا و عرض سلام خدمت شما مجری محترم و همکارانتان و تمام شهروندان جامعه که هم اکنون در حال تماشای این برنامه مردم پسند هستند. امیدوارم همیشه آزاد و آزاده باشید.

مجری: با تشکر از شما. خوب ابتدا اگر اجازه بدهید بحث را از اینجا شروع کنیم که اساسا مقوله فرهنگ از چه جنسی است و اصطلاحا ماهیت فرهنگ چیست ؟

مصلحی: بله با تشکر از سوال زیبای شما. ببینید در دنیای امروز فرهنگ و سیاست بهم گره خورده اند و نمی توان این دو را جدای از هم تصور کرد. هر چقدر فضای سیاسی جامعه به سمت دموکراسی و جامعه مدنی پیش برود فرهنگ نیز در آن جامعه رشد خواهد کرد و به طور کلی توسعه سیاسی عامل مهم شدن فرهنگ در جوامع می باشد. همانطور که دکتر یورگن هابرماس نیز در نظریات خود چنین ادعایی را مطرح کرده اند بنده اعتقاد بر این است که تا کنش ارتباطی در حالت تحریف شده خود خارج نشود و فضای آرمانی گفتگو در جامعه فراهم نگردد مقوله ای به نام فرهنگ عملا وجود خارجی نخواهد یافت.

مجری: بسیار بسیار ممنونیم از توضیحات گرانتقدر شما. به نظر شما راهکار دستیابی به فرهنگ در سطح عموم جامعه چگونه خواهد بود؟

مصلحی: بنده معتقدم تا وقتی استبداد و سلطه یکطرفه در یک جامعه حاکم باشد فرهنگ به معنای اصیل آن شکل نخواهد گرفت زیرا همانطور که آدورنو و هورکهایمر در کتاب "صنعت فرهنگ" اشاره کرده اند، حکومت سلطه گر با تولید فرهنگ توده ای از طریق ابزارهای خود از جمله تلویزیون و سینما به تحمیل مردم پرداخته و مانع از شکل گیری فرهنگ اصیل و نخبه گرا می گردد.

مجری: واقعا ممنونم. چقدر جذاب هستید شما. لطفا اگر ممکن است گزارشی کوتاه و مختصر از عملکرد هشت ساله دولت آقای خاتمی در حوزه فرهنگ ارائه نمائید.

مصلحی: اگر بخواهم به صورت کاملا خلاصه و مختصر به فعالیتهای فرهنگی دوره آقای خاتمی بپردازم باید عرض کنم از آنجا که اعتقاد ما بر این بود که فرهنگ چیزی جز تضارب آراء در یک محیط آزاد و دموکراتیک نیست سعی داشتیم ابتدا گفتمان جامعه مدنی را در کشور حاکم نمائیم تا فرهنگ به صورت کاملا ارادی و داوطلبانه و غیر تجویزی در کشور بوجود آید. البته ما نیم نگاهی هم به تاثیرات جهانی فرهنگ در میان کشورها داشتیم لذا گسترش شبکه های اینترنتی و ماهواره ای نیز از جمله فعالیتهای ما در دوره اصلاحات بود. از دیگر اقدامات ما در عرصه فرهنگی کشور می توان به دادن مجوز برای ساختن فیلمهای جوان پسند، انتشار کتابها و نشریات جوان پسند، تشکیل فضاهای گفتگو و جلسات سخنرانی جوان پسند، ساختن فرهنگسراهای جوان پسند و اقدامات جوان پسندانه ی دیگری از این قبیل اشاره کرد.

مجری: ممنونم از شما دوست دارم! خوب بینندگان عزیز ممنونیم از شما عزیزان که تا این لحظه از نیمه شب برنامه ما را تماشا کردید و همه شما را به خداوند منان می سپارم. تا برنامه بعدی و میزگردی بعد خدا یار و نگهدار!

با کاروان شعر اصلاحات

مُردیم از این زمانه، از دلتنگی
نه تعلیقی نه تسلیم، نه انقلابی رنگی
یا رب به خدایی خداییت
قدری برسان تهاجم، فرهنگی!

"روند غرب‌باوری و غرب‌زدگی را که متأسفانه داشت در بدنه‌ی مجموعه‌های دولتی نفوذ میکرد، متوقف کردید؛ این چیز مهمی است. حالا یک عده‌ای در جامعه، ممکن است به هر دلیلی شیفته‌ی یک تمدنی یا یک کشوری باشند؛ اما این وقتی به بدنه‌ی مدیران انقلاب و مجموعه‌های انقلاب نفوذ میکند، چیز خیلی خطرناکی می‌شود. این دیده میشد؛ خوب، جلوی‌ش گرفته شد."
رهبان معظم انقلاب - دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۲۶/۱۳۸۷

میدان نقد میرحسین باز است



میر حسین موسوی اگر هیچ ویژگی مثبتی نداشته باشد، بی گمان بیانی خارق العاده و آرامشی عجیب دارد. آنقدر این ویژگی ها به او کمک کرده اند که تمام گفته های درست و نادرستش، پشت آنها گم می شود. هرکس او را به شکلی که مایل است می بیند و مخالفتش، اگر قدرت رسانه ای مطلقیتی نداشته باشند، از انتقاد صریح از او هراس به دل راه می دهند. کسی نمی داند که از کدام منظر می تواند و باید به نقد گفتمان او بپردازد و این مهمترین حصار اوست در برابر منتقدان! آنچه او را تا امروز در حصاری نفوذ ناپذیر قرار داده است و مردم را نسبت به او مهربان نگه داشته، بی شک عللی خاص دارد که باید در جای خویش بررسی شود.

در میان تمامی عللی که برای این امر در نظر می گیرند، شاید مهمترین عامل، نخست وزیری او در دوران ریاست جمهوری رهبر انقلاب اسلامی باشد! کسانی که می خواستند از او انتقاد کنند، باید همیشه این را در گوشه ی ذهن خود نگاه می داشتند که مبادا مناسبات سیاسی رهبر فعلی انقلاب اسلامی در آن روز به میدان نقد کشانده شود و مخاطبان در مقابل این محور اتحاد ملی (مقام معظم رهبری) صفتندی هایی غیر منصفانه را باعث شوند.

هرچند که مفرضان سیاسی و منافقان امت، تا آنجا که توانستند در روزنامه های به هم زنجیر شده ی دوران اصلاح گری به رهبری، انقلاب و شهیدان تاختند اما، عالمان سیاسی و مشایخ اصلاح طلبی، مانع از ادامه ی تندروی ها بر علیه این مقام والای اسلامی شدند و آرامش سالهای انتهایی دوران اصلاحات را باید مدیون این سیاست ورزی ایشان بدانیم. قلم به بیراهه نرانم.

میر حسین موسوی، نخست وزیری که مردم او را به اسم کوچک می شناسند (به قول روزنامه نگار فرنگی)، همیشه در خنکای انتقاد ناپذیری دوران جنگ تحمیلی لم داده بود و در گرما گرم طغیان کارگزاران سازندگی و ایجاد فاصله ی طبقاتی و قتل های زنجیره ای و ماجرای دانشجویان ۱۸ تبری، حتی به خود این زحمت را نداد که مثل قالیباف راستگرا و یا اصلاح طلبان تجدید نظر خواه و یا حتی شبیه شیخ اصلاحات، در حمایت از رهبری و یا رد عملکرد نظامیان و غیره، نامه ای بنویسد و یا در حمایت از فقیران اجتماعی سخنی براند و نه حتی سالها بعد، در تابستان گرم و سراسر شور انتخاباتی ۸۴، مخالفی کرد با اینکه عکس آن چهره ی معصومش را کنار مصطفی معین تبلیغ کنند، به اسم دموکراسی، به اسم آزادی، میر حسین اما این روزها با مشکلی مواجه شده است.

بعد از خیانتی که جریان چپ در حق او کرد و خاتمی را زودتر از موعد به انتخابات وارد کرد، او نیز به اجبار و اکراه به میدان آمد.

سه ماه زمان کمی نیست که مردم به قضاوت او بپردازند. وقتی که از دولت مدرن گفت، نکته دانان دانستند که او حامی مشروعیت مردمی است و حال آنکه قانون اساسی ما بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی استوار است. اینگونه بود که گفتند، میرحسین، کبی برابر اصل خاتمی است، با چهره ای معصوم احمدی نژادی!

من میر حسین موسوی را دوست دارم. و میدانم که کارگزاران سازندگی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب مشارکت، کارگزاران بنیاد باران و بسیاری دیگر از همفکران احزاب دولت ساخته و سازمان های مردم نهاد ریز و درشت، دوستش ندارند. من میر حسین را برای خودش، و نه اینکه رقیب احمدی نژاد است می پسندم. اما نمی توانم از انتقاداتی که به او دارم هم بگذرم. او در بحبوحه ی جنگ، کشور را با بحران استعفای نخست وزیری مواجه کرد، بیست سال سکوت کرد، با نهضت آزادی دیدار کرد (امام گفت که اگر کار دست آنها بود ما را در دامان آمریکا می انداختند) و با مشارکت آنچنان بست که برایش هزینه ی آن همایش را در کنار برج میلاد ترتیب دادند. راستی! هزینه های مشارکت و سازمان مجاهدین را از جیب مستضعفین پس خواهد داد یا از جیب مستکبرین؟...



شماره سوم ، هفته دوم اردیبهشت ۸۸

- مافیای سیگار و صدای جیغ دوستان
- کنفرانس ژنو و چند نکته
- میزگرد فرهنگی



مدیر مسئول : جواد درویش

همکاران این شماره:

رامین طهماسبی ، محمد مکتیان ، مصیب

منتظمی ،محمد مالکی ، عباس دانش طلب

Mardomak.mag@gmail.com